

دیوان

شرف‌الزری

نگارش: اصغر علمی «مرد دنیا»

شریف تبریزی - م ۹۵۶ ق

دیوان شریف تبریزی (م ۹۵۶ هجری قمری) شریف تبریزی

به کوشش: اصغر علمی «مهروند میاب» - تهران: اندیشه‌ی نو، ۱۳۸۳

۱۶۲+۳۰ ص، ۲۴×۱۷ س م.

ISBN: 964-6741-97-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. شریف تبریزی، - ۹۵۶ ق. - دیوان. ۲. شعر فارسی - قرن ۱۰ ق

الف. علمی، اصغر، ۱۳۳۰ - ب. عنوان.

PIR ۵۹۷۵/د ۹ ۸۱/۶۲

کتابخانه‌ی ملی ایران ۳۵۸۲۵-۸۳ م

نام کتاب: دیوان شریف تبریزی (م ۹۵۶ هجری قمری)

به کوشش: اصغر علمی «مهروند میاب»

شعر فارسی قرن دهم هجری

ناشر: انتشارات اندیشه‌ی نو

تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۵ خورشیدی

نویت چاپ: چاپ اول

تیراژ: ۲۰۰۰

شابک ۹۶۴-۶۷۴۱-۹۷-۵

ISBN: 964-6741-97-5

مرکز پخش:

تهران - میدان انقلاب - اول کارگر شمالی

پاساژ فیروز - نشر اندیشه‌ی نو - تلفن ۶۶۴۲۷۳۷۱

شریف تبریزی

شریف تبریزی از شاعران عهد شاه تهماسب صفوی است. در شعر تخلص بنام می‌کند. نام اصلی او چه بوده است کسی نمی‌داند. همه‌ی تذکرها او را به همین نام معرفی کرده‌اند.

قلمی شیوا دارد و معانی زیبا و بکر در اشعار او بسیار است. همه‌ی تذکره‌نویسان شیوایی قلم و زیبایی غزل‌های او را ستوده‌اند.

سام میرزای صفوی از نامداران معاصر شریف است که در باره‌ی او می‌نویسد: «شرافت سخنانش از دیوانش معلوم و طراوت کلامش در طی کلام فصاحت آیاتش مفهوم می‌شود.»

امین احمد رازی در هفت اقلیم می‌نویسد: «به جودت طبع و حدت ذهن مخصوص بوده، از نیکو طبعان آن شهر و مکان است.»

صادقی کتابدار (افشار) نیز در مجمع الخواص می‌نویسد: «از اواسط الناس تبریز و شاعری هموار و پخته است.»

حسن بیک روملو در احسن التواریخ می‌نویسد: «شریف تبریزی به صفای ذهن سلیم و ذکای طبع مستقیم از سایر شعرای زمان خود ممتاز بود و همواره ابیات فصاحت آثار و اشعار بلاغت شعار بر لوح ضمیر و صحیفه‌ی خاطر می‌نگاشت. دیوان قصاید و غزلیاتش مشهور و منظوماتش بر السنه و افواه مذکور است.»

آذر بیگدلی هم که به شاعران دوره‌ی صفوی چندان عنایتی ندارد در آتشکده‌ی خود می‌نویسد: «طبع خوشی دارد و در مراتب شاعری بزعم فقیر بهتر از لسانی است.» تاریخ دقیق ولادت او چون همه‌ی بزرگان پیشین در هاله‌ای از ابهام است. تاریخ وفاتش را سالهای ۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵۶ و ۹۵۷ هجری قمری نوشته‌اند، که در این میان نوشته‌ی سام میرزای صفوی درست‌تر می‌نماید که می‌گوید:

«آخر سنه‌ی ست و خمسين و تسعمائه در حینی که من در دار الارشاد اردبیل بودم بآنجا آمد و در وبای عامی که در آن سال در آنجا واقع شده بود، فرو شد و دست از دامن حیات گسست و به حظیره‌ی قدس پیوست و مضمون این بیت بادا رسانید.»

تنگ شد قافیه‌ی عمر، شریف دم‌بدم می‌رسدش مرگ ردیف
 نظم‌ی تبریزی در تذکره‌ی دویت سخنور تاریخ وفات شریف را به نظم
 چنین بیان داشته است:

یسا فتم در شعر شیوای شریف لفظ، بس زیبا و معنی، بس ظریف
 در سخن سنجی به آذربایجان جز لسانی کس نبود او را حریف
 سال تاریخ وفاتش خواستم دل رقم زد: «حیف از مرگ شریف»
 ۹۵۶ هجری قمری

از زندگی خصوصی او هیچ اطلاعی در دست نیست، آیا ازدواج کرده و
 تشکیل خانواده داده است یا نه؟ و در صورتی که ازدواج کرده آیا فرزندی داشته است یا
 نه؟ هیچ مأخذی در این زمینه اطلاعی بدست نمی‌دهد.
 شریف در شعرهای خود بعضاً اشاراتی به درد پای خویش دارد که با توجه به کوتاهی
 عمر او قابل تأمل است.

این درد که در پا من شیدا دارم اسباب فستادگی مسهیا دارم
 گه دست به دیوار روم، گه به عصا خود را به هزار حیلہ بر پا دارم
 و در جای دیگر در قطعه‌ای که به خواجه عنایت نوشته است باز باین موضوع اشاره
 می‌کند و می‌نویسد:

زین درد که در پای، دعا گوی تو دارد
 از پای فتاده‌ست، بگیرش به گرم دست

تذکره نویسان، در این که شریف عمر درازی نداشته و در عنوان جوانی دار
 فانی را وداع گفته است، اتفاق نظر دارند. سبب آن را سوء ادبی می‌دانند که شریف در
 حق استاد خود لسانی شیرازی روا داشته و مجموعه‌ای از نظم و نثر همراه اییاتی سست
 از دیوان لسانی انتخاب کرده و به صورت شعر تزریق تدوین نموده و بدین گونه دل
 استاد را از خویش آزرده است، به طوری که مردم تبریز و بزرگان شهر زبان به ملامت وی
 گشوده‌اند.

سام میرزای صفوی در این معنی می نویسد: «در شعر از جمله شاگردان لسانی است؛ اگر چه نسبت به مولانا از او چند بیروشی سر زده، نسبت شعری چند بی معنی باو کرده و نام آن "سهواللسان" کرده؛ اما چون سوگند به غلاظ و شداد می خورد که این معنی به اغوای جمعی مفتن که عقل در وادی ایشان حیرتی دارد سمت ظهور یافت و آخر از آن بغایت خجل و متفعل بود، بحتمل که روح پر فتوح مولانا نیز از او این معذرت پذیرد.»

امین احمد رازی هم در هفت اقلیم می نویسد: «عاقبت ترک ادب نموده، چند بیت از ابیات مولانا لسانی رحمه الله علیه را که استاد وی بود، تضمین کرد و رساله ای بنام "سهواللسان" بنگاشت. گویند نفرین لسانی بهار عمرش را به صرصر فنا داد.» او به نقل از تحفه ی سامی مینویسد که: «وی از شاگردان لسانی بوده، چون قدّ ترقّی برافراخت و منتخب همگان گردید، شراره ی شرارت طبعش مشتعل شده، بعضی ابیات لسانی را بی معنی برآورده، آن را "سهواللسان" نام نهاد و لسانی از آن قضیه چون شمع در لگن غصّه نشسته، مانند دود بهم برآمد و او را دعای بد کرد. گویند هنوز زه مسئلتش از شست توجّه خلاص نگشته بود که شریف به تیر عمر فرسای اجل از پای در آمد.»

آذر بیگدلی در آتشکده می نویسد: «طبع خوشی دارد، اما گاهگاهی به خامه ی سیاه زبان هجو، لوح خاطر مردم را سیاه می داشته، از جمله اهاجی رکیکه شریف مزبور دیوانی باسم استاد از مقوله ی تزریق تمام کرده، مسمّی به "سهواللسان" و گویا به علّت سوء ادب که استاد را رنجانید در عنفوان شباب، گلشن حیاتش در بلده ی طیّبه ی اردبیل به تاراج خزان اجل رفت.»

حیدری تبریزی که از دیگر شاگردان لسانی می باشد، به طرفداری از استاد خود با انتخاب ابیاتی از بهترین شعرهای لسانی سهواللسان شریف را جواب گفته و آن را "لسان الغیب" نام نهاده است.

صادقی افشار هم به طرفداری از شریف لسان الغیب او را طرف انتقاد قرار داده و آن را به هجو ثالث جواب گفته است.

شاید بتوان گفت که عمده ی شهرت شریف علاوه بر غزل های زیبای او بیشتر

مرهون انشای هجوی است، که در باره‌ی مستوفی شاه تهماسب یعنی خواجه غیاث الدین علی کهره‌ی شیرازی که چشم‌های کبود و رخ و موی زرد داشته، نوشته است.

امین احمد رازی می‌نویسد: «شریف در عتفوان شاعری جهت غیاث کهره که در سلک مستوفیان شاهی شاه تهماسب صفوی انتظام داشت، قصیده‌ای گفته، صله نیافت، هر آینه در خفت وی برآمده ترکیبی در هجو وی انشاء نمود که این ابیات غصنی از آن شجر است...»

هم او می‌نویسد: «چون این قضیه روزی روی گردید، قهر قهرمان شاهی به قتل او فرمان داد و شریف لجه‌ی فنا را به خود احاطه دید، معروض داشت که، حضرت شاه یک مرتبه این هجو را از من شنیده، بعد از آن به هر چه فرمایند سزاوارم و زحمت تیغ را به جان منت دار، بحر التهاب شاه مزبور از زلال عرض او انقطاع پذیرفته، حکم خواندن فرمودند. بعد از استماع چندان اثر نسیم بشاشت در جهت ایشان پدید آمد که بالکلیه غبار کلفت از خاطر ایشان مرتفع گردید. پس از آن فرمودند، که شریف رفته از خواجه غیاث عذر تقصیر بخواهد و توبه کند که دیگر هجو نگوید. خواجه غیاث بنا بر تقصیری که در تأخیر صله جایز داشته بود، سی تومان به صیغه‌ی جایزه بدو فرمود و شریف بعد از اخذ مبلغ، قصیده‌ای در معذرت گفته که مطلعش این است: "نیستم مقبول..."

صادقی کتابدار در این مورد می‌نویسد: «در هجو خواجه غیاث الدین کهره ترکیب بندی گفته که به عقیده‌ی من از وقتی که بنیاد هجو گذارده شده، چنین شعر درست و بی عیب گفته نشده و بلکه کسی هم نمی‌تواند بگوید، گویند وقتی که این هجو شایع شد و به گوش خواجه‌ی نامبرده رسید، گفت شریف را بیاورید اگر هجو را حضوراً بخواند، مورد عنایتش قرار می‌دهیم و اگر از خواندن آن امتناع ورزد، اهانتش می‌کنیم. همین که شریف حاضر شد بیدرنگ خواجه را مخاطب ساخته هجو را بیت بیت خواند و خواجه نیز شش صد شاهی و یک دست لباس جایزه داد. شریف در تلافی آن هجو قصیده‌ی بسیار خوبی گفته که مطلع آن این است: "نیستم مقبول..."

ملاً عبدالباقی نهاوندی در مآثر رحیمی در ترجمه‌ی احوال حیدری تبریزی می‌نویسد: «از دار السلطنتی تبریز است و از امثال و اقران شریف و وقوعی است. در آن زمان مولانا شریف نسبت به مولانا لسانی که استاد او بود از در گستاخی و بی ادبی در

آمده، حقوق استاد و شاگردی را منظور نداشت، ستم ظریفی شعار ساخته، شعری چند که خالی از رکاکت لفظ و بی‌مشربی نبود، به مولانای مومی‌الیه منسوب ساخته، رساله‌ای از نظم و نثر در مذمت آنها پرداخت و به سهو اللسان موسوم گردانید، والحق از مروت و انصاف دور بود که حقوق او را منظور نداشته این جرأت و بی‌ادبی کند و بآن شاعر قادر سخن که در غزل، سعدی زمان خود بود اهانت نماید.»

نقی‌اوحدی بلیانی نیز در عرفات العاشقین می‌نویسد: «غَوَاصِ عَمَّانِ گوهر انگیزی، نقّاشِ ایوانِ معانی آمیزی، غربالِ دُر و سخن بیزی مولانا شریف تبریزی از سخن پردازان صاحب فطرت و راتب معانی افزازان عالی فکرت بوده، در فهم سخن و دقت بیان کامل آمده، چون تیغ موی شکافی کردی و چون خامه زبان آوری فرمودی، طرز بیانش متین و مبین، شیوه‌ی کلامش با مزه و نمکین، نظم‌ش عام فهم خاص پسند، چنانچه خود تعریف کرده "وسیله‌ام سخن عام فهم خاص پسند" و وی شاگرد رشید مولانا لسانی بود، اما به استاد بی‌ادبانه پیش آمده، سلوک ناشایسته نمود و سهو اللسانی بجهت آن مرشد سخنوری نوشت، لهذا در بازار وجود از متاع حیات برخوردار و تمتع نیافته در اندک زمانی به جرگه‌ی اموات شتافت...»

خوشگو در سفینه‌ی خویش کم و بیش همین حرف‌ها را تکرار کرده است. او می‌نویسد: «شریف تبریزی بحدود طبع و حدّت ذهن مخصوص بوده و در شاعری علم عديم النظیری افراخته، اوایل قصیده برای خواجه غیاث که در سلک مستوفیان شاه تهماسب صفوی انتظام داشته گفته، چون صله نیافت لاجرم در مقام خفت وی در آمد ترکیب بندی در هجا انشاء کرد و آن ترکیب شهرت یافته به سمع مبارک شاه رسید، از پیشگاه قهرمان شاهی به قتل او فرمان داد. شریف چون ملک‌الموت را به چشم خود معاینه نمود، معروض داشت که بندگان حضرت شاه یک مرتبه هجو را از بنده شنیده بعد هر چه فرماید سزاوارم، شاه... فرمود، حکم خواندن شد. بعد از استماع گل‌گل شکفت و چندان بساطت ظاهر نمود که بالکلیه غبار از خاطر رفته، پس از آن فرمان رفت که شریف از خواجه غیاث عذر تقصیر بخواهد و توبه کند که دیگر هجو هیچکس نگوید و خواجه غیاث بنا بر تقصیری که از تأخیر جایزه داشته، سی تومان باو برساند. شریف بعد از عذر خواستن و اخذ صله این قطعه گفت: «نیستم مقبول...»

این که آیا ابیاتی که شریف در سهواللسان خود به لسانی شیرازی نسبت داده است حقیقتاً از آن لسانی است، جای تردید است بطوریکه سام میرزای صفوی هم در تحفه‌ی سامی در ترجمه‌ی حال لسانی می‌نویسد: «من بسیار با او صحبت داشتم و شعر او بسیار خوانده‌ام، شعری چند که شریف شاگرد او مشهور ساخته و موسوم به سهواللسان گردانیده، از روی ستم ظریفی است و از اکثر آنها او را خبری نیست.»

تذکره نویسان بعدی علاوه بر آنچه که باختصار نقل شد در باره‌ی شریف تبریزی مطلب تازه‌ای ننوشته‌اند. دکتر ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران، محمد علی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان، عزیز دولت آبادی در سخنوران آذربایجان، محمد دیهیم در تذکره‌ی شعرای آذربایجان کم و بیش همین سخنها را تکرار کرده‌اند.

مطلب دیگر اینکه :

محمد علی تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۸-۱۹۷ ابیات ذیل را:

گذشتم از سر و گفتم نیازم اینقدر است

کشید سر ز من و گفت نازم اینقدر است

کی غم عاشق ز سیر باغ و صحرا می‌رود

عشق تا با اوست، غم با اوست هر جا می‌رود

ز گردون مرگ می‌خواهم حیاتم می‌دهد بی او

فلک بسیار زینسان لطفهای بی محل دارد

گستاخ مگذر از سر خاک من ای رقیب دارم هنوز شعله‌ی آهی که داشتم

به شریفی (معین‌الدین سید محمد تبریزی از سخنوران قرن دهم هجری که از اساتید خوشنویسان و از شاگردان میر علی مجنون هروی «م ۹۵۱ هجری قمری» می‌باشد)

نسبت داده است که به پیروی از او عزیز دولت آبادی در سخنوران آذربایجان ص ۴۴۰-۴۳۹ و محمد دیهم در تذکره‌ی شعرای آذربایجان ص ۳۲۹-۳۲۸ عیناً نقل کرده‌اند در اکثر نسخه‌های خطی دیوان شریف تبریزی این ابیات که دو بیت اول، هر کدام مطلع غزلی است و بیت سوم در غزلی با مطلع:

بیای خوبی آن گل وه چه حسن بی بدل دارد

که در وصف رخس هر غنچه جزوی در بغل دارد

و بیت چهارم در غزلی با مطلع:

در دشت غم ز صرصر آهی که داشتم

بر باد رفت جسم چو کاهی که داشتم

آمده است. با اینکه تربیت دیوان شریف تبریزی را داشته و انتساب شعر: کی غم عاشق..... را به او مورد تأکید قرار داده است، با اینحال در شرح حال شریفی این ابیات را به وی نیز نسبت داده است. چون بر اثری مکتوب از شریفی که صحّت انتساب این ابیات را باو مورد تأیید قرار دهد، دسترسی نداریم فعلاً بهمین مقدار اکتفا می‌کنیم و این ابیات را در زمره‌ی اشعار شریف تبریزی می‌آوریم.

علاوه بر آنچه که در شرح حال و آثار و اشعار شریف یاد کردیم، بعضی از فهرست نویسان از جمله آقای احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (جلد ۳ ص ۱۵۵۷ و جلد ۴ ص ۲۶۷۵) یک مثنوی بنام «بیمار و طبیب» را به شریف تبریزی نسبت داده‌اند که نسخه‌های متعددی از آن در کتابخانه‌های مجلس، ملک و دانشگاه در جنگهای مختلف آمده است.

فهرست نگاران و کاتبین هر یک، این مثنوی را به یکی نسبت داده‌اند و انتساب آن به شریف تبریزی مورد تردید است. در هر یک از جنگها این مثنوی به: شریف، قاضی شریف، سلیم شریف، قاضی میر سید شریف، ملا محمد شریف آملی، قاضی شریف تبریزی، عبدالرحمن جامی، و وحشی نسبت داده شده است.

تاریخ نگارش این مجموعه‌ها بطور عمده در سده‌ی دوازده، سیزده و چهارده می‌باشد و تذکره نویسان معاصر شریف تبریزی هیچکدام در باره‌ی این که او دارای چنین مثنوی‌یی باشد حرفی به میان نیاورده‌اند، بنابراین تا تحقیق کافی در این زمینه، از آوردن این مثنوی در بین اشعار شریف تبریزی خود داری نمودیم.

سبک شعر شریف

اوحدی بلیانی در عرفات‌الماشقین می‌نویسد: «شعرای متأخرین چون شرف، شریف، وحشی، محتشم، ضمیری و غیرهم تتبع طرز و روش کلام او (لسانی) کردند. دکتر ذبیح‌الله صفا هم می‌نویسد: شریف تبریزی چون استادش و دیگر معاصران، در سخن‌گویی پیرو شاعران سده‌ی هشتم بود. شریف تبریزی خود در یکی از غزل‌هایش می‌گوید:

نخل معنی را چو سعدی نغز پروردم شریف
زان سبب شد میوه‌های بوستان من لذیذ



عصر شریف، اوایل دوره حکومت پادشاهان صفوی است و در شعر او و معاصرانش هنوز از مشخصه‌های سبک هندی اثری دیده نمی‌شود. شریف تبریزی و شعر او از اقبال خوبی برخوردار بوده است. به نوشته‌ی محمدعلی تربیت در دانشمندان آذربایجان بسیاری از تذکره نویسان از جمله: «مؤلف نفایس المآثر، مجمع‌الفضلا، نتایج الافکار، ریاض‌الشعرا و شمع‌انجمن هر یک شرح حالی از وی نوشته و یوسف علی خان و شیخ بهایی و صائب و خوشگو هم تذکره و بیاض و سفینه‌ی خود را از منتخبات سخنان وی بی‌نصیب نگذارده‌اند.»

سخن آخر اینکه:

در تصحیح دیوان شریف تبریزی کار را با قدیمی‌ترین نسخه از نظر تاریخ کتابت یعنی نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی آغاز کردیم و سایر نسخه‌ها را با آن مقایسه کردیم. به هیچ نسخه‌ای صرفاً بجهت قدمت در تحریر امتیاز قائل نشدیم، آنجا که اختلاف وجود داشت در حدّ توان خود سعی کردیم تا صحیح‌ترین گزینه‌ها را انتخاب کنیم. بر خلاف روش رایج در بین زعمای قوم که در تصحیح دیوانها اختلاف نسخ را در پانویست می‌آورند که مثلاً "این غزل از کدام نسخه برداشته شده و این بیت در فلان

نسخه نبوده است و یا اینکه این بیت در فلان نسخه تقدّم و تاخّر دارد؛ راقم این سطور چندان اعتقادی باین امور ندارد. بنابراین از شماره گذاری در متن اصلی کتاب و قید زیر نویس‌ها در جهت زیبایی کار و اتلاف وقت خواننده پرهیز نموده است. اینکه قید کنیم فلان نسخه مثلاً «کلمه‌ی «خاست» به معنی بلند شدن را با املاّی «خواست» نوشته است یا اینکه در نسخه‌ای کاتب بجای کلمه «آن» کلمه «او» به کار برده است و از فحوای کلام نیز کاملاً مشهود است، چه تأثیری بحال خواننده دارد، بنابراین از درج اینگونه زیر نویسها در متن کتاب ناجایی که امکان داشته است خودداری نموده‌ایم. اگر موردی وجود داشت که نیاز به توضیح داشته باشد در پایان کتاب در بخش توضیحات قید خواهیم کرد. به هر صورت این کتاب مجموعه‌ای است از همه‌ی نسخه‌های خطّی موجود و شناخته شده‌ی دیوان شریف تبریزی که در اختیار نگارنده بوده است که از آنها در قسمت منابع مورد استفاده نام برده‌ایم.

گفتنی است استادانی مانند مرحوم احمد گلچین معانی (در نشریه دانشکده‌ی ادبیّات تبریز) و سادات ناصری (در حواشی آتشکده‌ی آذر) و تذکره نویسان مؤخّر که به شرح حال شریف پرداخته و منابع و نسخه‌های موجود دیوان او را معرفی نموده‌اند، از معرفی دو نسخه‌ی موجود در کتابخانه‌ی مجلس به شماره ۱۴۰۸۵ و ۱۳۸۴/۹ (سنا) غفلت کرده‌اند. ما در تصحیح دیوان شریف از این دو نسخه نیز بهره گرفتیم.

اگر جایی قصوری دیده می‌شود کوتاهی از ما بوده است نه از شاعر. یادآوری کاستی‌ها موجب امتنان و بهبود در روش کار صاحب این قلم خواهد بود.



در خاتمه لازم می‌دانم از همه‌ی عزیزانی که: در کتابخانه‌ی ملی، مجلس، ملک، آستان قدس رضوی، مدرسه‌ی عالی شهید مطهری، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی ملی تبریز در ارائه‌ی نسخ خطّی و بازبینی میکرو فیلم‌ها و تهیه‌ی تصویر از این نسخ همکاری فرمودند تشکّر و قدردانی کنم.

همچنین لازم می‌دانم از هنرمند جوان نیما میر جوادی و خانم مولود شیشه‌گری به خاطر یاریهایشان تشکّر کنم.

اصغر علمی «مهروند میاب»

منابع و مأخذ مورد استفاده

نسخ خطی و تذکروهایی که در تصحیح دیوان شریف مورد استفاده و استناد قرار داده‌ایم به شرح ذیل است :

۱- مجموعه‌ی خطی ۲۹۰/ف کتابخانه‌ی ملی به‌مراه دیوان یازده شاعر دیگر که در سال ۹۷۹ هجری قمری نوشته شده است. بخش دهم این مجموعه را اشعار شریف بخود اختصاص داده است که شامل ۱۳۲ غزل از ص ۶۷۷ تا ۷۳۲ مجموعه که در مجموع ۷۴۷ بیت از اشعار شاعر را در بر دارد و پایان آن ختم می‌شود به جمله‌ی «تمام شد دیوان شریف تبریزی علیه الرحمه فی غزوی جمادی‌الثانی سنه ۹۷۹ ق» بعد از صفحه‌ی ۷۰۵ و ۷۲۱ این مجموعه حدائق چهار صفحه افتادگی وجود دارد.

۲- مجموعه‌ی خطی ۴۳۷/۲ کتابخانه‌ی مجلس به‌مراه دیوان چهار شاعر دیگر از ص ۷۲ تا ۱۵۰ مجموعه.

این نسخه شامل ۱۶۳ غزل همراه با هجو نعمت‌الله و بخشی از سهو اللسان که جمعا ۹۷۶ بیت از اشعار شریف را در بر دارد و پایان نسخه به جمله‌ی «تمت الادیوان شریف بعون الملك اللطیف والحمد لله رب العالمین آمین» ختم می‌شود.

۳- مجموعه‌ی خطی ۲۷۶۵/۸ کتابخانه‌ی ملی تبریز که در سال ۹۸۰ هجری قمری نوشته شده است. ص ۲۳۴ تا ۲۹۷ این نسخه شامل ۱۴۵ غزل و یک رباعی و در مجموع ۸۲۴ بیت از اشعار شاعر را در بر دارد، (فهرست کتابخانه‌ی ملی تبریز جلد ۲ ص ۵۸۷).

۴- مجموعه‌ی خطی ۳۶۶۰ کتابخانه‌ی ملی تبریز به‌مراه دیوان امیر شاهی، حیدر هروی (کلوج) که در سال ۹۸۲ هجری قمری نوشته شده است، از ص ۱۳۶ تا ۱۵۱ این نسخه ناقص است و در مجموع ۳۶۰ بیت از اشعار شاعر را در بر دارد. پایان کتاب به جمله‌ی «فرغت عن تسوید فی غزوی جمادی الاول سنه ۹۸۲ ق» ختم می‌شود.

فهرست کتابخانه‌ی ملی تبریز جلد ۲ ص ۵۱۹

۵- مجموعه‌ی خطی ۴۸۹۶ کتابخانه‌ی ملی ملک به‌مراه دیوان امیر خسرو دهلوی که در سده‌ی دهم نوشته شده است. این نسخه در بر دارنده‌ی بیشترین شعرهای شریف است که در مجموع به ۱۳۳۹ بیت می‌رسد. (از ص ۸۸ تا ۲۱۹)

۶- نسخه‌ی خطی ۴۰۷ مدرسه‌ی عالی سپهسالار «مدرسه‌ی عالی شهید مطهری» به خط نستعلیق بسیار زیبا که بدست بانو زینب سلطان دختر مقصود علی در پایان سده‌ی دهم نوشته شده است. برگ آخر کتاب به جمله‌ی «کتابها بنت مقصود علی زینب سلطان» ختم شده است.

این نسخه دارای ۱۵۷ غزل و جمعا ۸۸۶ بیت از شعرهای شریف را در بر دارد و در نگارش آن دقت و سلیقه‌ی خاصی بکار رفته است.

۷- نسخه خطی ۱۴۰۸۵ کتابخانه‌ی مجلس شامل ۱۸۰ غزل به ترتیب حروف تهجی با خط نستعلیق که در سال ۹۹۵ هجری قمری نوشته شده است. این نسخه علیرغم در برداشتن بخش بسیار زیادی از اشعار شاعر (در مجموع ۱۲۰۰ بیت) بعلاّت آبدیدگی تمام صفحات آن امکان استفاده‌ی مطلوب از این نسخه فراهم نشد با اینهمه ابیاتی که در سایر نسخ مخدوش یا با توجه به صنایع شعری غلط به نظر می‌رسید، با کنکاش در این نسخه به نتایج قابل قبولی رسیدیم که جای سپاس فراوان دارد.

(فهرست کتابخانه‌ی مجلس جلد ۳۸ ص ۱۰۹)

۸- مجموعه‌ی خطی ۱۳۸۴/۹ مجلس سنای سابق به خط پیر محمد کاتب شیرازی به سال ۹۳۴ هجری قمری .

این نسخه بترتیب شامل دیوان اهلی خراسانی، همایون اسفرائینی، لسانی شیرازی، اهلی شیرازی، (شمع و پروانه‌ی) هلالی، حیدر هروی، مانی شیرازی، آصفی هروی، شریف تبریزی، شیخی، بابا فغانی و صفات‌العاشقین هلالی است که شعر بعضی از شاعران در حاشیه‌ی صفحات نوشته شده است .

بطور قطع تاریخ کتابت این نسخه با توجه به وفات شریف در سال ۹۵۶ هجری قمری که به نوشته‌ی اکثر تذکره نویسان در جوانی بوقوع پیوسته است، و در بر داشتن تقریباً تمام اشعار شریف، صحیح نمی‌باشد

این نسخه دارای ۱۴۵ غزل و در مجموع ۸۶۰ بیت از اشعار شریف را در بر دارد، خط آن بسیار زیباست ولیکن دقت کافی ندارد.

فهرست مجلس سنا جلد ۲ ص ۲۴۱

۹- نسخه‌ی خطی ۲۵۷۴ دانشگاه تهران به خط محمد علی تربیت مؤلف کتاب دانشمندان

آذربایجان با شرح حال شریف که از تذکره‌های مختلف گرد آورده است همراه با بخشی از سهواللسان شاعر.

این نسخه در سده‌ی ۱۴ هجری نوشته شده است و با کمی دقت معلوم می‌شود که تربیت در حقیقت نسخه‌ی ۴۲۷ مجلس را دوباره نویسی کرده است بی آنکه برای بهتر شدن کار گامی برداشته باشد.

۱۰- مجموعه‌ی خطی ۲۷۸۵/۶ کتابخانه‌ی مجلس شامل سهواللسان شریف که در سال ۹۷۲ هجری قمری نوشته شده است.

سایر منابع و مآخذ

- ۱۱- نحفه‌ی سامی تألیف سام میرزا صفوی، بکوشش رکن‌الدین همایون فرخ.
- ۱۲- هفت اقلیم تألیف امین احمد رازی در سال ۱۰۰۲ هجری قمری، اقلیم چهارم ص ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ چاپ ۱۳۷۸ انتشارات سروش، بکوشش سید محمد رضا طاهری
- ۱۳- مجمع‌الخوایس تألیف صادقی کتابدار (افشار) در سال ۱۰۱۶ هجری قمری - ترجمه از ترکی جغتایی توسط استاد مرحوم دکتر عبدالرسول خیتام پور - چاپ دانشگاه تبریز ۱۳۲۷ خورشیدی ص ۱۴۴ تا ۱۴۶
- ۱۴- دانشمندان آذربایجان تألیف محمد علی تربیت - بنیاد کتابخانه‌ی فردوسی تبریز - بکوشش سیروس قمری - چاپ دوم - ص ۱۹۷-۱۹۲
- ۱۵- سخنوران آذربایجان تألیف عزیز دولت آبادی - جلد اول چاپ ۱۳۵۵ خورشیدی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز - مؤسسه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران - چاپخانه‌ی شفق تبریز ص ۴۳۰ تا ۴۳۹
- ۱۶- تذکره‌ی شعرای آذربایجان تألیف محمد دیهم - جلد دوم - چاپ آذربادگان تبریز - آبان ماه ۱۳۶۷ خورشیدی ص ۳۱۷ تا ۳۲۸
- ۱۷- دویت سخنور (تذکره‌ی الشعرای منظوم و منثور) تألیف نظامی تبریزی - انتشارات سروش ۱۳۷۸ خورشیدی ص ۲۸۱ تا ۲۸۳
- ۱۸- اثر آفرینان - زیر نظر عبدالحسین نوایی - جلد سوم ص ۳۳۹

۱۹- فرهنگ سخنوران - تألیف دکتر عبدالرسول خیام پور
 ۲۰- تاریخ تذکره‌های فارسی - تألیف احمد گلچین معانی - جلد یکم ص ۱۹۷ جلد دوم ص ۱۳۶

۲۱- مکتب وقوع در شعر فارسی، تألیف احمد گلچین معانی، ویرایش دوم، دانشگاه فردوسی مشهد، زمستان ۱۳۷۴، صفحات ۱۵۲، ۵، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۷ و ۷۴۴ درباره‌ی لسانی شیرازی
 ۲۲- کاروان هند، تألیف احمد گلچین معانی، درباره‌ی حیدری تبریزی ص ۳۵۳ تا ۳۶۰
 ۲۳- تذکره‌ی پیمانه - تألیف احمد گلچین معانی - درباره‌ی لسانی شیرازی - انتشارات سنایی - چاپ ۱۳۶۸ ص ۱۵ و ۴۴۷ تا ۴۵۱

۲۴- نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شماره‌ی زمستان - سال پانزدهم سال ۱۳۴۲ خورشیدی ص ۴۵۶ تا ۴۶۶ و شماره‌ی بهار - سال شانزدهم - سال ۱۳۴۳ خورشیدی ص ۷ تا ۲۹، احمد گلچین معانی «شرح حال و سهو اللسان شریف تبریزی»
 ۲۵- آتشکده‌ی آذر - بخش نخست - شعرای آذربایجان ص ۱۱۵، ۱۱۶ بکوشش زنده یاد دکتر سید حسن سادات ناصری، چاپ مؤسسه‌ی مطبوعاتی امیرکبیر، سال ۱۳۳۶ خورشیدی

۲۶- سفینه‌ی خوشگو، بندر ابن داس ص ۲۹۴-۲۹۳ نسخه‌ی خطی ۴۰۳ مجلس
 ۲۷- عرفات العاشقین - تألیف تقی الدین محمد اوحدی حسینی - تألیف ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ هجری قمری ص ۵۶۴ تا ۵۶۶ نسخه‌ی خطی ۵۳۲۴ کتابخانه‌ی ملک.
 ۲۸- ریاض الجنه، فانی زنوزی، نسخه‌ی خطی ۴۳۸۰ کتابخانه‌ی ملی ملک، روضه‌ی پنجم، حرف ش
 ۲۹- احسن التواریخ - حسن بیک روملو - زیر نظر احسان یار شاطر - باهتمام عبدالحسین نوایی ص ۳۳۹

**

*